

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۷ ماه می ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۳۰

قصائد

-۲۶-

یکبار دیگر در مدح شهزاده محمود
و عرض حال^۱

شاعران در کنج غم، صد ره دل خود خون کنند
پادشاهان، در ازای مدحت با آب و رنگ
شکر یزدان را، که من مداح آن شهزاده ام
شکر دیگر آن، که هر گوهر که از کلکم چکد
با چنین مدح چنین ممدوح شرح حال خویش
ای شهی، کز بهر خدمت چاکران درگهت
در علاج ناخوشی‌های مزاج مملکت

تا سزای مدح شاهان، بیتیکی موزون کنند
مدحگوی خویش را، از سیم و زر قارون کنند
کز کف و کلکش حدیث قلزم و جیحون کنند
اختران آویزه گوش سر گردون کنند
گر نگویم عاقلان، نام مرا مجنون کنند
حلقه در گوش جم و دارا و افریدون کنند
نام فرمان ترا، فرماندهان^۲ قانون کنند

^۱ در اصل دیوان "ایضاً" آمده است، که مصحح پورتال AA-AA آن را با عنوان بالا تعدیل کرد
^۲ درینجا ترکیب "فرماندهان" در معنای اصلی خود به کار رفته است؛ یعنی "کسانی که فرمان می دهند"، که محض مخصوص امور
عسکری و اردو نمی شود؛ چنان که در فارسی ایران معمول است و کاملاً به غلط معمول است!!!

سفره اندازان بزم بخششت در هر زمان
 آسمان در کلبه من، فرقه ها را کرده جمع
 نقش نان، نقاش اگر بر قله کوهی کشد
 در هوای شست و شوی^۴ جامه چرکین خویش
 پیش خبازان کوی و نزد بقالان سوق
 همچنان کز خدمت شه من کنم چیزی طلب
 یک دم از پوشش سخن گویند یک دم از خورش
 حاش لله هفته دیگر بدین سان گر بود
 خسرو! از مکرمت فکری بکن بر حال من
 یا به ایشان امر کن تا بعد ازین از هرجهت
 یا بفرما، تا به ضرب چوب و سیلی جمله را

صد هزاران همچو معن و سیف را ممنون کنند
 کز حصیر کهنه وصف اطلس و اکسون^۳ کنند
 از هجوم آن کوه را در یکزمان هامون کنند
 قرصه مه^۵ را، خیال قرصه سابون^۶ کنند
 گه کتاب و گه قلمدان مرا مرهون^۷ کنند
 از من ایشان نیز خواهشهای گوناگون کنند
 الغرض هر لحظه صد نوبت دلم را خون کنند
 این گروه ناسزا، با من ندانم چون کنند
 خسروان بسیار، فکر بنده محزون کنند
 ترک آزار من سرگشته مدیون کنند
 از سرای این غلام مدحگو، بیرون کنند

یا به گنجوران^۸ دولت امر کن از راه لطف

تا به قدر خرج ایشان، دخل من افزون کنند

^۳ "اکسون": دیبائی گرانقیمت

^۴ الف. جستجوی

^۵ در اصل دیوان "ماه" آمده، که جهت توزین مصرع، به "مه" تصحیح گردید(مصحح پورتال)

^۶ "در اصل دیوان "صابون" نوشته شده، که مصحح پورتال آن را به "سابون" تصحیح کرده است، چون اصل کلمه "فرانسوی" ست و در

زبان دری باید به "سین" نوشته شود!!!

^۷ "مرهون کنند"؛ یعنی "قرض گیرند و یا رهن کنند"

^۸ منظور از "گنجوران" همانا "مقامات مالی یا خزانه داری" ست